پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۳۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲
صص ۱۰۷-۱۲۶ (مقاله پژوهشی)

No. 32, Spring & Summer 2023

پیوند دعا و ربوبیت از نگاه قرآن

اعظم صلواتی[۱]، عباس همامی[۲]، عزیزالله افشار کرمانی[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۹/۱۸ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰)

چکیده

در ادیان الهی توحید جنبه‌ها و وجوه مختلفی دارد. یکی از وجوه توحید و خداشناسی توحید در عبادت است. مخلوقات به نحوه تکوینی و تشریعی در جستجوی کمال مطلق یا صیرورت به سوی خداوند هستند، دعا و نیایش از سوی آدمیان جلوه کمال جویی و کمال خواهی آدمی است. انسان فاعل علمی است و بنا به علم خود می‌تواند عمل اختیاری انجام دهد بنابراین شناخت خداوند به عنوان مبدأ و منتهای عالم مخلوقات سبب می‌شود که آدمی همواره در اعمال خود متکی به لطف و رحمت الهی باشد و خیر و کمال خود را از خداوند مسألت کند، چون مدبّر حقیقی عالم موجودات ذات پاک الهی است و آدمی با تکیه بر ربوبیّت خداوند می‌تواند وی را پرستش کند و عرضه نیاز به درگاه وی آورد. رابطه ربوبیّت و دعا در مقاله حاضر بررسی می‌شود و با تکیه بر آیات قرآنی مدلّل می‌گردد که ربوبیّت تام الهی مبنای دعا و نیایش است.

کلید واژه‌ها: ربوبیّت، دعا، رابطه دعا و ربوبیّت.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، azamsalava@gmail.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ ah@hemamia.ir

۳. دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ azi.afsharkermani@iauctb.ac.ir

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

۱- بیان مسأله

دعا و ربوبیّت الهی ازجمله مفاهیم کلیدی و پرکاربرد قرآنی هستند. واقعیت مخلـوق از جمله انسان چیزی جز فقر و نیاز به غنی مطلق نیست و این فقر ذاتی و همیشگی اسـت و حقیقت دعا یافتن فقر خود و عرضه کردن این فقر به غنی محـض اسـت. قـدم نخسـت در وادی توحید، آن است که انسان بفهمد بنده و نیازمند لطف خدا است. پس باید هر جا و هر زمان که به مشکلی برخورد کرد، خود را به قدرت بی‌نهایت متصل سازد. دعـا و اسـتجابت آن در چارچوب قوانین نظام هستی است؛ این‌گونه نیسـت کـه در سلسـله‌ی نظـام علـی و معلولی، جایی برای دعا و یاری خواستن از خدا نباشد؛ بلکه دعـا بـه عنـوان یـک علـت معنوی، وسیله‌ای در کنار وسایل دیگر است. با این تبیین آنچه حائز اهمیت است این است که رابطه این عنصر معنوی با ربوبیّت الهی چگونه اسـت؛ ربوبیّـت یعنـی اعتقـاد بـه اینکـه اداره‌کننده و تدبیرکننده و نظام بخش عالم هستی تنها ذات پاک پروردگـار اسـت، خداونـد طبق ربوبیّت خودش به عنوان یک طرح از پیش تعیین شده مقـدرات انسـانها را جـاری و ساری می‌کند اما دعا هم اصالت و اعتبار دارد و انسان می‌تواند با دعا کردن شرایط خود را برای فیض بیشتر از ربوبیّت الهی را فراهم کند. در این نوشتار سعی برآن است با توجـه بـه آیات قرآن‌کریم، نسبت ربوبیّت و دعا را بررسی و تحلیل شده و مشخص گردد که ربوبیّـت با دعا چه رابطه‌ای دارند. تحقیقات و مطالب فراوانی در زمینه دعـا و تـأثیر دعـا در نظـام هستی و همچنین تأثیر دعا در زندگی فردی و اجتماعی، دنیوی و اخـروی و نیـز در بـاب اهمیت دعا و آداب آن و استجابت آن، توسط نویسـندگان و محققـان اسـلامی در کتـب و مقالات متعدد آورده شده است. اما به نظر می‌رسد در باب نحـوه و رابطـه دعـا و ربوبیّـت الهی براساس مفاهیم قرآنی بحث مستقلی صورت نگرفته است. لذا در این نوشتار بـه ایـن موضوع پرداخته شده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

۲- مباحث مقدماتی

۲-۱. مفهوم دعا و ربوبیّت در لغت و قرآن

دعا از ریشه «د ع و» به معنای مایل ساختن چیزی به سوی خود با صدا و کلام است. (ابن فارس، ۲۷۹/۲)، ابوهلال عسکری اصل آن را در خواست انجام کاری می‌داند. (عسکری، ۵۳۴/۱)، و جمع آن ادعیه است. (جوهری، ذیل دعو).

عده‌ای این واژه را رغبت داشتن به سوی خداوند، مسألت، طلب شیء، و یا کسی را خواندن می‌دانند (ابن‌منظور، ۲۵۷/۱۴). این واژه به معنای توجه دادن نظر مدعو است به سوی داعی، و اجابت به معنای پذیرفتن دعوت داعی، و روی آوردن به سوی اوست. (طباطبایی، ۳۱۷/۱۱).

این طلب و توجه اگر از عالی به دانی باشد، از آن به «امر» تعبیر می‌شود، اما اگر از دانی به عالی باشد، «دعا» خواهد بود. بنابراین دعا در اصطلاح به معنای در خواست انجام کاری از مدعو است که به صورت جمله‌ی امر یا نهی و گاه به صورت جمله‌ی خبری، مانند غَفَرَ اللهُ لَکَ، می‌آید. فرق آن با امر این است که در دعا مرتبه‌ی مخاطب فراتر از داعی و در امر، فروتر است و نقطه‌ی مقابل دعا اجابت است و مقابل اطاعت. (طوسی، ۴۲۴/۴).

واژه‌ی «ربّ» معانی مختلف و متعددی دارد که لغت پژوهان و مفسران آنها را بیان کرده‌اند. گروهی اصل واژه را از ماده (ر.ب.ب) دانسته، مالکیت را به عنوان مفهوم اصلی ربّ لحاظ می‌کنند و یا اساساً ربّ را به معنای مالک می‌دانند و گروهی ربّ را به معنای تربیت در نظر گرفته و معتقدند ربّ از ماده (ر.ب.ب) مترادف و هم معنا با (ر.ب.ی) است.

مالک حقیقی هستی (قمی مشهدی، ۴۳/۱)، آن کس است که مالک تدبیر تمام شئون عالمیان است (طوسی، همان، ۲۳/۱-۳۳)، وی مالکی مدبر است (طباطبایی، همان، ۲۱/۱)؛ بنابراین ربّ کسی است که شأن او سوق دادن اشیاء به سوی کمال و تربیت آنها است و این صفت به صورتی ثابت در او باشد. (جوادی آملی، ۳۳۱/۱)، ربّ تربیت‌کننده همه عالم‌هاست (طالقانی، ۲۶/۱). به غیر از این دو گروه مفسران دیگری هستند که معانی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

متعدد دیگری برای ربّ بیان می‌کنند، مـواردی چـون، مـدبر، تمـام کننـده، نعمـت‌دهنـده، (طریحی، ۶۷/۲) و یا لغت پژوهانی مانند ابن منظور ربّ را در معنای مالک، سید، مـدبر و مربی و قیم و منعم برمی‌شمرد. (ابن منظور، همان، ۳۹۹/۱). با توجه به این اختلاف‌نظـرهـا به نظر می‌رسد تعبیر «مالک مدبر» می‌تواند حقیقت معنای ربّ و ربوبیّت را در سـازمان و ساختار قرآن نمایان سازد و همه مفاهیم ارائه شده از سوی مفسران و لغـت پژوهـان را در برگیرد. زیرا در تعبیر مالک مدبر مالکیت حقیقی از ایجاد و خلقت و نیز مدبریت حقیقی را مشاهده می‌کنیم که حکایت از اوصاف کمالی از علم و قدرت، جـود و رحمـت و حکمـت خدای سبحان را دارد بدون اینکه در این مدبریت نقصی باشد. و سایر معانی ذکر شده برای رب را می‌توان در شمار معانی ثانوی و از لوازم معنای اصلی یا از مصادیق «مالک مـدبر» به‌شمار آورد.

۲-۲. رابطه دعا و عبادت

علامه طباطبایی رابطه دعا و عبادت این‌گونه را این‌گونه تشریح می‌کند که: «اما دعـوت و دعای بندگان عبارت است از اینکه بنده خـدا بـا خوانـدن پروردگـارش رحمـت و عنایـت پروردگار خود را به سوی خود جلب کند، و خواندنش بـه ایـن اسـت کـه خـود را در مقـام عبودیت و مملوکیت قرار دهد، به همین جهت عبادت در حقیقت دعاء اسـت، چـون بنـده در حال عبادت خود را در مقام مملوکیت و اتصال به مولای خویش قرار می‌دهد و اعلام تبعیـت و اقرار به ذلت می‌کند تا خدا را با مقام مولویت و ربوبیّتش به خود معطوف سـازد، دعـا هـم عینا همین است و خدای تعالی به همین اتحاد حقیقت دعاء و عبـادت اشـاره دارد، آنجـا کـه می‌فرماید: «**وَ قالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِينَ**».[1] (غافر، ۶۰) که ملاحظه می‌کنید در اول، فرمان بـه دعـاء داده، سـپس همـین تعبیر به دعاء را مبدل به تعبیر عبادت کرده است» (طباطبایی، همان، ۳۸/۱۰-۳۹).

---

۱. و خدای شما فرمود که مرا با (خلوص دل) بخوانید تا دعای شما مستجاب کنم. آنـان کـه از (دعـا و) عبـادت مـن اعراض و سرکشی کنند زود با ذلت و خواری در دوزخ شوند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

۳- مقام و کاربرد دعا

دعا و نیایش وسیله‌ی اظهار عجز و نیازبنده به خالق و زیباترین جلوه‌ی سرسپردگی و عبودیت در آستان قدس ربوبی است. در نگاه توحیدی، مبدأ همه حرکت‌ها و منشأ هر تحولی، ارتباط با خداوند سبحان است؛ یعنی تا اراده الهی بر کاری تعلق نگیرد، هیچ گونه حرکتی در نظام هستی رخ نمی‌دهد. برهمین اساس، قران کریم و روایات اسلامی به انس با دعا و مناجات با خدا سفارش کرده‌اند.

در بیان مقام و اهمیت دعا همین بس که «حق دعا برای خداست» و عهده‌دار اثبات حق دعا برای خدا جمله «**لَهُ دَعْوَةُ الحق**» در آیه ۱۴سوره الرعد است که می‌فرماید: «**لَهُ دَعْوَةُ الحْقّ وَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُم بِشَيءَ...**»، مقدم بودن ظرف «لَهُ» انحصار را می‌رساند، و جملات بعد هم که از غیر خدا نفی می‌کند این انحصار را تایید می‌کند، و اما متکفل نفی آن از غیر خدا جمله «**وَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَباسِطِ كَفَّيْهِ إِلَى الْماءِ لِيَبْلُغَ فاهُ وَ ما هُوَ بِبالِغِهِ**»[1] است، که می‌فرماید: آن خدایانی که مشرکین می‌خوانند قادر بر استجابت دعای آنان نیستند، زیرا آنان خدایان یا بتهایی هستند که عوام مشرکین می‌پرستند، که اجسامی بی‌جانند، که نه شعور دارند و نه اراده، و یا ارباب آن بتها از ملائکه و یا جن و یا روحانیات کواکب و یا بشرند، که بعضی از خواص بت‌پرستان می‌پرستند، و متنبه به آن هستند، که نه مالک نفع و ضرری برای خود هستند، و نه اختیاردار مرگ و حیات و نشور خود می‌باشند تا چه رسد به اینکه مالک نفع و ضرر و مرگ و حیات غیر خود باشند، به خلاف خدای تعالی که مالک کل است، و همه ملک و همه قوت تنها برای او است. پس هیچ مطمعی و طمع‌گاهی در غیر او نیست.» (همان، ۳۱۸/۱۱).

علاوه بر این خداوند متعال در آیه ۱۸۶ سوره البقره با بهترین اسلوب و لطیف ترین و زیباترین معنا برای دعا، آنرا تبیین کرده و می‌فرماید: «**وَ إِذَا سَأَلَکَ عِبَادِی عَنیّ فَإِنیّ قَرِيبٌ**

---

۱. دعوت خدا (و رسولانش) به حق و حقیقت است و بتهایی که مشرکان به جای خدا می‌خوانند هیچ حاجتی را از آنها برنیاورند و تنها مانند آن کس‌اند که به سوی آبی دست دراز کند که بیاشامد ولی آب به دهانش نرسد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُواْ لِي وَ لْيُؤْمِنُواْ بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»[1]. علامه طباطبایی در المیزان، به هفت ویژگی موجود در این آیه اشاره می‌کند که این هفت ویژگی می‌تواند بیانگر اهمیت دعا و جایگاه آن در کلام الهی باشد: «۱- اساس گفتار را بر متکلم وحده (من چنین و چنانم) قرار داده، نه غیبت (خدا چنین و چنان است)، و نه سیاقی دیگر نظیر غیبت، و این سیاق دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی نسبت به مضمون آیه کمال عنایت را دارد. ۲- تعبیر فرموده به عبادی: بندگانم، و نفرموده ناس: مردم و یا تعبیری دیگر نظیر آن و این نیز عنایت یاد شده را بیشتر می‌رساند. ۳- واسطه را حذف کرده است، و نفرموده: در پاسخ‌شان بگو چنین و چنان، بلکه فرموده: "چون بندگانم از تو سراغ مرا می‌گیرند من نزدیکم". ۴- جمله "من نزدیکم" را با حرف "ان" که تاکید را می‌رساند. مؤکد کرده و فرموده: فانی قریب پس به درستی که من نزدیکم. ۵- نزدیکی را با صفت بیان کرده و فرموده: من نزدیکم تا ثبوت و دوام نزدیکی را برساند نه با فعل من نزدیک می‌شوم. ۶- در افاده اینکه دعا را مستجاب می‌کند تعبیر به مضارع آورد نه ماضی، تا تجدد اجابت و استمرار آن را برساند. ۷- وعده اجابت یعنی عبارت (اجابت می‌کنم دعای دعا کننده) را مقید کرد به قید اذا دعان: "در صورتی‌که مرا بخواند". با اینکه این قید چیزی جز خود مقید نیست، چون مقید خواندن خدا است و قید هم همان خواندن خدا است. و این هفت نکته دلالت دارد بر اینکه خدای سبحان به استجابت دعا اهتمام و عنایت دارد. (طباطبایی، همان، ۳۰/۲-۳۱).

در این میان یکی از مهم ترین آیات در بیان ارزش و اهمیت دعا نزد خداوند و فضیلت انقطاع از خلق، آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی غافر است که می‌فرماید: «**وَ قَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ**»، این آیه مردم رابه دعا کردن امر می‌کند و به ایشان نوید اجابت می‌دهد و دعا را عبادت می‌شمرد و ترک کننده عبادت خدا از سر بزرگی طلبی و تکبر را از دوزخ بیم می‌دهد. (طبرسی، ۸۲۳/۸، طباطبایی، ذیل

---

۱. و چون بندگان من (از دوری و نزدیکی) من از تو پرسند، (بدانند که) من به آنها نزدیکم، هرگاه کسی مرا خواند دعای او را اجابت کنم. پس باید دعوت مرا (و پیغمبران مرا) بپذیرند و به من بگروند، باشد که (به سعادت) راه یابند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

آیات البقره، ۱۸۶؛ غافر، ۶۰؛ یونس، ۲۵) و ابن عاشور (ذیل غافر، ۶۰) با استناد به بخش پایانی آیه که در آن واژه‌ی عبادت جانشین دعا شده و وعید عذاب به آن کس که در عبادت خدا کبر ورزد، و با استناد به احادیث، علاوه بر اینکه دعا را از سنخ عبادت دانسته‌اند، توضیح داده‌اند که هر عبادتی نیز دعا است. (و نیز نک: طبرسی؛ قرطبی، ذیل البقره، ۱۸۶)؛ زیرا واقعیت دعای بنده این است که می‌خواهد رحمت و عنایت خدا را به سوی خود جلب کند و خود را در مقام بندگی قرار دهد. از سوی دیگر، عبادت هم در حقیقت دعا است، زیرا بنده در مقام عبادت، با اظهار خضوع و ناچیز بودن در برابر خدا و بزرگی او، خود را در مقام مملوک قرار می‌دهد تا عنایت خدا را در مقام ربوبیّت به خود جلب کند.

از دیگر فرمان‌های الهی درباره‌ی دعا این است که «**وَ اسْئَلُواْ اللَّهَ مِن فَضْلِهِ**».[1] (النساء، ۳۲»، مجمل بودن تعبیر فوق، به بند گان می‌آموزد که به هنگام دعا تنها خیر خود در دنیا و آخرت را بخواهند و مصداق و راه وصول بدان را تعیین نکنند، همچنین چیزی نخواهند که با حکمت الهی، تکوینی یا تشریعی منافات داشته باشد. (فخررازی، ۶۵/۱۰؛ طباطبایی، همان، ۳۳۸/۴-۳۳۹). از شواهد دیگر اهمیت دعا، نقل دعاهای متعدد از انبیای پیشین و گروه‌های مختلف انسان‌ها و همچنین تعلیم دعا به پیامبر گرامی اسلامﷺ در آیات مختلف است.

یکی از اقوال تفسیری ذیل آیه‌ی «**قُلْ مَا يَعْبَؤُاْ بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا**».[2] (الفرقان، ۷۷) این است که اگر دعاهای شما نبود خداوند به شما عنایتی نداشت. (طبرسی، همانجا، ۲۸۵/۷؛ فخر رازی، همانجا، ۴۸۹/۲۴).

٤- نقش و کارکرد دعا

دعا به دلیل آنکه از فقر ذاتی انسان در برابر معبود نشأت می‌گیرد. «**يَأَيُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ**».[3] (فاطر، ۱۵) با عبادت و اظهار بندگی قرابت دارد

---

۱. و هر چه می‌خواهید از فضل خدا درخواست کنید.

۲. بگو که اگر دعای شما (و ناله و زاری و توبه شما) نبود خدا به شما چه توجه و اعتنایی داشت؟

۳. ای مردم، شما همه به خدا فقیر و محتاجید و تنها خداست که بی‌نیاز و غنیّ بالذّات و ستوده صفات است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

و معمولا در قالب عمل عبادی و مناسکی صورت می‌گیرد. در طول تاریخ و در همه‌ی جوامع بشری و پیروان ادیان، دعا به اشکال گوناگون فردی و اجتماعی جریان و دارای کارکردهایی بوده از جمله:

انسان، نیازهای فراوانی در زمینه‌های مختلف دارد و همواره برای رفع احتیاج خود در تکاپو است.

٤-١. دعا رمز بندگی انسان و بیان نیازهای او به ساحت پروردگار

انسان‌ها با توجه به اینکه در کدام مرتبه از کمال باشند، خواسته‌های خود را به شکل‌های مختلف برطرف می‌کنند. یکی از این روش‌ها، دعا و عرضه حاجت به محضر خداوند است. دعا کردن به درگاه معبود، امری فطری و یکی از مهمترین ابزار و وسایل، برای رسیدن به خدا و نیل به تکامل مادی و معنوی و حل مشکلات فردی و اجتماعی است.

حقیقت دعا چیزی جزعبادت نیست و حتی به دلیل توجه انسان به خداوند در انجام این عبادت، شاید بر بسیاری از عبادات دیگر ترجیح داشته باشد. (مصباح یزدی، ۲۲).

در آیه ۶۰ سوره‌ی غافر خداوند، دعا را به عنوان عبادت معرفی کرده و آن را از لوازم بندگی می‌داند؛ زیرا تهدید به آتش دوزخ که برای ترک کننده آن آمده، اختصاص به ترک یک قسم از اقسام عبادت ندارد. (طباطبایی، همان، ۳۴/۲). ممکن است این سوال به ذهن برسد که آیا و چگونه اگر انسان چیزی از خدا بخواهد، او را عبادت کرده است؟ برای روشن شدن این سوال، باید حقیقت عبادت روشن شود.

حقیقت عبادت این است که انسان، خود را بنده و مملوک خدا دانسته و برای خود، مالکیت و اراده مستقلی در مقابل خدا نداشته باشد، بلکه خود و دارایی خود را از آن خدا دانسته و به‌طور کامل، تسلیم اراده او باشد. به عبد بودن خود در مقابل پروردگار اعتراف کرده و از روی اختیار، بندگی تکوینی خود در مقابل خدا را اظهار بدارد.

بنابراین دعا، به عنوان عبادت در مکتب اسلام، راهی مقدس برای اظهار بندگی و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

ارتباط با خداوند متعال و نوعی عمل عبادی برای تقویت این ارتباط است و از طرف دیگر، سببی راهگشا در کنار سایر اسباب مادی و معنوی در نظام علی و معلولی است، که دستاوردهای خاصی را می‌تواند به دنبال داشته باشد. در ذیل به سه دستاورد مهم دعا اشاره می‌شود: ۱- رشد ایمان و روحیه بندگی در انسان: یکی از برکات دعا، دوری از کبر و خودبینی و پرهیز از طغیان می‌باشد زیرا قرآن کریم می‌فرماید: «وَ قَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (غافر، ۶۰) و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم (و تکبر از دعا تکبر از عبادت است و) البته کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند، به زودی خوار و سر افکنده وارد جهنم می‌شوند.

٤-٢. آموزش معارف ناب اسلامی

معارف بلند توحیدی، آموزه های وزین اخلاق فردی و اجتماعی، درس‌هایی در معرفی حقیقت انسان و شیطان، شناسایی ماهیت دنیا و آخرت، اوصاف عرش و حاملان عرش الهی، بیان شگفتی‌های آفرینش، ارائه جرعه‌هایی از شیرینی‌های بندگی و قرب الهی، نشانگر راه‌های تقرب به خداوند متعال و صدها نکته‌ی ناب و بی‌نظیر در معرفی مسیر درست و نادرست زندگی، از جمله معارف اصیل و متقنی هستند که در قرآن کریم در قالب دعا بیان گردیده است.

٤-٣. دستیابی انسان به آرزوها و خواسته‌های خود

یکی از آثار و برکات دعا در زندگی رسیدن به خواسته‌ها و دستیابی به آرزوهاست. خداوند متعال درهای استجابت دعاها را به روی بندگان خود گشوده است. تا آنان خواسته‌های خود را در هر زمان و مکانی از وی درخواست کنند. «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُواْ لِي وَ لْيُؤْمِنُواْ بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (البقره، ۱۸۶) و هنگامی که بندگان من از تو درباره‌ی من سوال می‌کنند (بگو) من نزدیکم!

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ مـی‌گـویم، پـس بایـد دعـوت مـرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند و به مقصد برسند.

۵- نقش و کارکرد ربوبیّت الهی در موثر بودن دعا

در مقام دعا و عبادت بیش از هر چیز باید به ربوبیّت خدا توجه داشت و باور کرد کـه تنها خداوند است که به تدبیر و اداره جهان خلقت و از جمله امور انسـان مـی‌پـردازد و او صاحب اختیار ما و همه جهانیان است. خداوند شئون همه موجـودات، از جملـه انسـان را اداره می‌کند. هر کس در هر کجا و در هر شرایطی قرار دارد، اگر خدا را صدا بزند، خداوند حاضر است و به او پاسخ می‌دهد و او به تفصیل در خواست همه را می‌دانـد. طبـق آیـات قرآن، اولیای الهی اعم از پیامبران، فرشتگان و بندگان صالح، به هنگام دعـا کـردن، سـخن خود را با ربَّنا و ربِّی شروع می‌کردند. از این تعبیرات فهمیده می‌شود بهترین دعـا، دعـایی است که با ربوبیّت الهی آغاز شود. درست است که نـام مبـارک الله جـامع‌تـرین نـام‌هـای خداست ولی از آنجا که تقاضا از محضر پر لطف او با مسأله ربوبیّت تناسب دارد، ربـوبیّتی که از ناحیه خداوند از نخستین لحظات وجود انسان آغاز می‌شود، و تا آخر عمر او و بعـد از آن ادامه دارد، و انسان را غرق الطاف الهی، می‌کند، خواندن خداوند به این نام در آغـاز دعاها از هر نام دیگر، مناسب‌تر و شایسته‌تر است. ربوبیّت الهی بیانگر این است که خداوند متعال بر همه هستی احاطه دارد و هیچ چیز از دایره تدبیر و اداره او خارج نیست و چنـان نیست که او از خواست عده‌ای آگاه شود و از خواست عده‌ای دیگر بی‌خبر بماند. اگـر هـم زمان همه افراد بشر از او درخواست کنند، حاجت تک‌تک آنان را می‌داند. و نیز بـر آنچـه در ذهن و دل هر یک از انسان‌ها می‌گذرد، آگاه است؛ زیرا هیچ‌گونه محـدودیتی در علـم، آگاهی و حضور خداوند نیست.

۶- تعامل دعا و ربوبیّت الهی

در خصوص رابطه‌ی دعا با قضا و قدر الهی، نظام علی و معلولی، علم و اراده‌ی خـدا و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

این‌که آیا تأثیر دعا سبب انفعال در ذات خدا می‌گردد یا نه، نظرات مختلفی مطرح شده است. یکی از چالش‌های مطرح در امر دعا این است که چگونه می‌توان رابطه‌ی دعا با قضا و قدر و نظام علی و معلولی را تبیین کرد. این اشکال همواره مطرح است که اگر همه امور براساس نظام علی و معلولی و قضا و قدر الهی تعیین گردیده، در این صورت، دعا چه نقشی می‌تواند ایفا کند؟

۶-۱. رابطه دعا با قضا و قدر و نظام علی و معلولی

علامه طباطبایی برای پاسخ‌گویی به این گونه از سوالات ابتدا به اشکالی که یهودیان و دیگران بر مسأله دعا وارد کرده‌اند، اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که اشکال چنین است که آن حاجتی که با دعا در طلبش برمی‌آیند یا از قلم گذشته یا نگذشته است. اگر گذشته که خودش به خودی خود موجود می‌شود و حاجتی به دعا نیست و اگر نگذشته، هر چه هم دعا کنیم، فایده‌ای ندارد. پس در هیچ یک از دو فرض مذکور دعا فایده بخش نخواهد بود.

علامه طباطبایی در مقام پاسخ‌گویی به اشکال مذکور برآن است که آری، پدید آمدن حاجت از قلم قضا گذشته است؛ لیکن این گذشتنِ قلم قضا باعث نمی‌شود که ما از اسباب وجود آن بی‌نیاز باشیم و دعا یکی از همان اسباب و علل است که با ان، یکی از اسباب وجود پدیده محقق می‌شود. (طباطبایی، همان، ۴۱/۲) بنابراین دعا خود از قدر است؛ چنان که روایات دیگری به این معنا دلالت دارند؛ از آن جمله از رسول خدا ﷺ روایت شده: «لَا یَرُدُّ الْقَضَاءَ إِلّا الدُّعَاءُ».[۱] (مجلسی، ۲۹۶/۹۰). و از امام صادق علیه السلام روایت شده: «الدّعاُ یَرُدُّ القضاءَ بعدَ ما اُبرِمَ إبراماً».[۲] (همانجا).

اما درباره‌ی رابطه‌ی دعا با نظام علیت و قانون حاکم برطبیعت معتقد است که اگر چه توجه تام خداوند در دعا به معنای الغای وساطت اسباب و در خواست حاجت از غیر

---

۱. قضا را رد نمی‌کند، مگر دعا.

۲. دعا قضا را بعد از آن که تا حدی حتمی شده است، رد می‌کند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

مجرای طبیعی نیست، نباید برای اسباب مادی سببیت و تأثیرگذاری مستقل قائل بود؛ زیرا این اسباب سببیتشان محدود به مقداری است که خداوند برایشان مقدر فرموده و این اسباب تنها طریقت و وساطت در ایصال دارند و جریان امور از مسیر اسباب، قدرت مطلقه و نامتناهی خداوند را مقید نمی‌کند. خداوند قادر علی‌الاطلاق است؛ اما خصوصیت افعال و حوادث اقتضا می‌کند که متوقف و مترتب بر شرایط و اسباب طبیعی باشد. (همان، ۴۰/۲-۴۱). بنابر نظر علامه، این اعتقاد که مسببات از اسباب خود تخلف نمی‌کنند، هر چند که اسباب در حقیقت سبب واقعی نباشند و تأثیر واقعی از آن خدای مسبب الاسباب باشد و اسباب تنها جنبه‌ی وساطت داشته باشند، توهمی است که علم به مقام خدای سبحان آن را نمی‌پذیرد؛ چون با سلطنت تامه‌ی الاهیه منافات دارد. بنابراین خدای متعال با به کار انداختن نظام اسباب و مسببات قدرتش محدود نشده و هم چنان قدرتش مطلقه است و می‌تواند واسطه‌ها را از وساطت بیندازد و اثر را بدون فلان واسطه ایجاد کند و همچنین در مورد هر سبب دیگری، اراده و مشیت خدای تعالی به اطلاق خود باقی است و هرچه بخواهد، می‌کند؛ هر چند که راه های عادی و اسباب ظاهری اجازه چنین کاری را نداده باشند. (همانجا)؛ چنان که این دلالت را اطلاق آیات زیر نیز دارد: «**وَ إِذَا سَأَلَکَ عِبَادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ**» (البقره، ۱۸۶): و چون بندگان من سراغ مرا از تو می‌گیرند، من نزدیکم. دعای دعاکننده را در صورتی که مرا بخواند، اجابت می‌کنم (هر چند که اسباب ظاهری مانع از اجابت باشد)؛ «**ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ**» (غافر، ۶۰): مرا بخوانید تا دعایتان را مستجاب کنم (هرچند که اسباب ظاهری اقتضای آن را نداشته باشد)؛ «**أَ لَیْسَ اللَّهُ بِکَافٍ عَبْدَهُ**» (الزمر، ۳۶): آیا خدا برای بنده خود کافی نیست؟ (چرا، هست و حوائج و سوالات او را کفایت می‌کند، هر چند که اسباب ظاهری مخالف آن باشد) (همانجا، ۷۶/۱).

علامه در مورد خوارق عادت مانند دعا و معجزات، معتقد است که خداوند متعال آنها را از مسیر اسباب محقق می‌کند، هر چند علم ما به آن اسباب احاطه ندارد، با این توضیح

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

که خدای متعال برای حوادث عادی و غیرعادی مسیری را معین کـرده و آن حادثـه را بـا سایر حوادث مربوط و متصل ساخته اسـت، و در مـورد خـوارق عـادات آن اتصـالات و ارتباطات را طوری به‌کار می‌بندد که باعث پیدایش حادثـه‌ی مـرادش شـود؛ هرچنـد کـه اسباب عادی هیچ ارتباطی با آن‌ها نداشته باشد بـرای اینکـه ایـن اتصـالات و ارتباطـات مذکور ملک موجودات نیست تا هرجا که آن‌ها اجازه دادند، منقاد و رام شـوند و هـر جـا اجازه ندادند، یاغی گردند، بلکه مانند خود موجودات، ملک خدای تعالی و مطیـع و منقـاد اویند و تحت تدبیر و ربوبیّت او قرار دارند.

بنابراین خدای تعالی بین تمامی موجودات اتصال‌ها و ارتباط‌هایی برقـرار کـرده و هـر کاری بخواهد، می‌تواند انجام دهد و این نفی علیت و سببیت میان اشیا نیست؛ بلکه اثبـات آن است، اما زمام این علل همه به دست خداست و هرجا و به هـر نحـو کـه بخواهـد، بـه حرکتش در می‌آورد. پس میان موجودات، علیت حقیقی و واقعی هست و هر موجودی بـا موجوداتی قبل از خود مرتبط است و نظامی در میان آنها برقرار است؛ اما نه به آن نحـوی که از ظواهر موجودات و به حسب عادت درمی‌یابیم؛ بلکه به نحوی دیگر اسـت کـه تنهـا خدا بدان آگاه است.

اموری مانند استجابت دعا مستند به اسباب طبیعی عادی نیستند؛ بلکه مستند به اسباب طبیعی غیرعادی‌اند، یعنی اسبابی که برای عموم قابـل لمـس نیسـت و آن اسـباب طبیعـی غیرعادی نیز مقارن با سبب حقیقی و باطنی و در آخر مستند به اذن و ارادی خدا هسـتند. (همان، ۷۷/۱).

بدین ترتیب روشن می‌شود که دعا نه تنها با دستگاه قضا و قـدر الهـی و نظـام علـی و معلولی در تعارض نیست، بلکه، دعا در طول آنهـا قـرار گرفتـه و در عـداد امـوری قـرار می‌گیرد که سبب دارد؛ اما سبب غیرعـادی و مـاوراء طبیعـی، و تاکیـد و تصـریح علامـه طباطبایی بر این امر کاملا مشهود و مشخص بود.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

۶-۲. دعا و عدم انفعال درذات و علم و اراده‌ی الهی

دعا و امور مانند آن (بداء) مستلزم تغییر در علم خداوند نبوده و از سوی دیگر، علم با ذات یکی است، و طبعاً دعا و بداء مستلزم تغییر در ذات نیز نخواهد بود. علامه طباطبایی در توجیه مطلب فوق بر آن است که برای امور و حوادث، دو وجود پیش‌بینی می‌شود: یک وجود به حسب اقتضای اسباب ناقص از قبیل شرط یا علت یا مانعی است که قابل تخلف است و یک وجود دیگری بر حسب اقتضای اسباب و علل تامه‌ی آن، که این وجود بر خلاف وجود اول، وجودی ثابت و غیرمشروط و غیرمتخلف است (همان، ۳۸۱/۱۱؛ ۸۴/۳-۸۵). علم خدای تعالی به موجودات و رویدادهای جهان، مطابق وجود نفس الامری آنهاست. پس یک بار علم خدای متعال به اشیاء، مربوط به علل تامه‌ی آنهاست و پیداست که در این گونه علمی، بداء و دعا تأثیرگذار نیست؛ ولی گاهی علم خدا به اشیاء از جهت مقتضیات آنهاست که تأثیرشان موقوف بر وجود شرایط و فقدان موانع است واین کونه علم ممکن است در صورت فقدان شرطی یا وجود مانعی خلاف آنچه انتظار بروز و ظهورش بود، پدیدار گردد، (همان، ۸۵/۳) از نگاه علامه، نزاع در ثبوت بداء و دعا و نفی آن نزاعی لفظی است؛ زیرا کسانی که منکر آن‌اند، چنین استدلال می‌کنند که قول به بداء و دعا مستلزم تغییر علم خداست و این ناشی از عدم درک صحیح از علم باری تعالی است؛ زیرا آنان این علم را انفعالی می‌دانستند، در حالی‌که علم خداوند که عین ذات اوست، علم فعلی است که منشأ صدور معلوم است (طباطبایی، ۳۸۲/۱۱).

۶-۳. رابطه دعا با اراده‌ی الهی

علامه طباطبایی بیان می‌دارد که اراده‌ی مطلقه‌ی خدا با دعا هیچ منافاتی ندارد؛ زیرا اراده‌ی خداوند به این تعلق می‌گیرد که انسان با اختیار و خواست خودش، افعال خاصی را انجام دهد؛ نه آن که اراده‌ی او به فعل به طور مطلق و بدون تقید به اختیار تعلق گرفته باشد و انسان می‌تواند با اراده‌ی خود، بر سرنوشت خویش مؤثر باشد. (همان، نهایة

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

الحکمه، ۳۰۱-۳۰۳؛ رسائل توحیدی، ۱۲۷).

پس دعای بنده فعل اختیاری اوست و اجابت از سوی پروردگار، فعل خدا. از آنجا که خداوند اراده کرده است که انسانبا اختیار خود، به انجام کارها بپردازد، اراده‌ی او تعلق می‌یگیرد به فعل ادمی؛ چنان که در واقع هست (اختیاری است) و نه به چیزی دیگر. پس منافاتی میان این دو نیست.

۶-٤. رابطه دعا با علم الهی

علامه در ارتباط با علم الهی از علم عنایی صحبت می‌کند که عبارت از «صورت علمی که علت وجود دهنده به معلوم (همان فعل) است» و چون علم تفصیلی واجب تعالی به اشیاء، که عین ذات اوست، علت وجود اشیاء با همه‌ی ویژ گی‌هایی می‌باشد که علم واجب به آن تعلق گرفته، واجب تعالی عنایت به مخلوقات خود داشته و علم او علم فعلی است. (طباطبایی، نهایة الحکمه، ۲۹۲).

همچنین علامه در پاسخ به این پرسش که اگر علم عنایی خداوند متعال علت همه‌ی حوادث جهان و از جمله افعال اختیاری آدمی است، چگونه دعا می‌تواند در این جهان تأثیر کند، بر آن است که فعل انسان با همه‌ی ویژگی‌هایش، معلوم واجب تعالی است و از جمله ویژگی‌های آن چنین است که با اختیار از انسان سر می‌زند. بنا بر این، علم خدا به عملی از انسان اختیار را از انسان سلب ننموده و جبر پیش نمی آورد؛ هر چند که معلوم او از علمش تخلف‌پذیر نباشد. (طباطبایی، همانجا، ۳۰۵) .

۷- رابطه دعا و ربوبیّت الهی

آن‌گونه که از آموزش های قرآنی به دست می‌آید از ارکان اصلی و بنیادین دعا، اعتقاد و باور قلبی به ربوبیّت حق است. و خاستگاه واقعی دعا قلبی است که ایمان به ربوبیّت خدا در آن راسخ و متجلی باشد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

شخصی که به ربوبیّت حق اذعان واقعی ندارد و اداره عالم را به طور کلی و یا جزئی به غیر او نسبت می‌دهد هیچ‌گاه دست نیاز به سوی او دراز نخواهد کرد و اگر دعایی از او سر زند مصدری جز زبان نخواهد داشت. همان‌طور که گفته شد دعا از اعتقاد به ربوبیّت حق ناشی می‌شود و بین این دو رابطه‌ای مستقیم وجود دارد و می‌توان گفت که همچنان که اصل اعتقاد به ربوبیّت حق در دعا مؤثر است، عرض حاجت به حضرت حق نیز در تحکیم و افزایش این باور تأثیر اساسی دارد. و در حقیقت، دعا نوعی تلقین و تمرین عملی برای استحکام این عقیده در قلب و تعمیق تدریجی آن در زوایای روح و جان آدمی به شمار می‌رود. این درست است که خدای متعال به همه نیازمندیها و احتیاج‌های بندگان خود بخوبی واقف است و بر همین اصل تا آن‌جا که ضرورت برپایی نظام احسن خلقت اقتضاء می‌کند، مواهب خود را به سوی بندگان خویش، چه از او بخواهند و چه نخواهند بر مؤمن و کافر، سرازیر می‌کند و در دعائی هم که از امام صادق﵇ در اعمال ماه رجب رسیده است می‌خوانیم: «یا مَنْ یُعْطی مَنْ سَئَلَهُ یا مَنْ یُعْطی مَنْ لَمْ یَسْئَلْهُ وَ مَنْ لَمْ یَعْرِفْهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَ رَحْمَةً..»[1]. (قمی، اعمال ماه رجب).

ولی در عین حال، عطایای مخصوص و مواهب ویژه خداوندی از آن کسانی است که از او طلب کنند و دست نیاز به درگاه با عظمت او دراز کنند و بدینوسیله، ربوبیّت و پروردگاری او را در باور خود بگنجاند و هر روز و شب رفته‌رفته این عقیده ناب و سازنده را در قلب خود راسخ‌تر کنند.

و لذا برخی از مفسران، مطابق برخی روایات، در فرق بین «رحمان» و «رحیم» گفته‌اند: «رحمن» جنبه رحمت عام حضرت حق نسبت به بندگان از مؤمن و کافر در دنیاست و مقصود از «رحیم» وجهه لطف و رافت خاص ربوبی، نسبت به مؤمنان در دنیا و آخرت است. (طبرسی، همان، ۹۳/۱).

---

۱. ای کسی که از روی رحمت و شفقت، به بندگان خود چه آنان که از تو بخواهند و چه آن بنده‌ای که از تو نخواهد و تو را نشناسد نعمت‌های خود را بی‌دریغ عطا می‌کنی.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

نکته قابل توجه این است در بسیاری از آیات قرآن که در آن دستور دعا داده شده است، خدای متعال با عنوان «ربّ» یاد شده است، که نشان دهنده‌ی ارتباط تنگاتنگ عنصر دعا با موضوع ربوبیّت است. و بیانگر این نکته‌ی مهم است که با وجود اعتقاد به ربوبیّت اوست که می‌توان رو به سوی او آورد و از او رفع نیازهای مادی و معنوی را خواست.

خدای متعال با دستور به دعا، به مؤمنان یاد می‌دهد که نعمت‌های مخصوص الهی، بدون تقاضا از او جلب نمی‌گردد، و بی‌آن غیر از محرومیت نتیجه‌ای عاید بنده نخواهد شد. و این رابطه‌ی مستقیم و تأثیرگذاری متقابل به‌گونه‌ای است که بدون اعتقاد به پروردگاری حق، دعا محقق نمی‌گردد، و از آن طرف دعا نیز عامل بسیار مهم و مؤثر در تقویت و استحکام این عقیده در جان مؤمن است. روی همین اساس، اکثر قریب به اتفاق دعاهای قرآنی، خدای بزرگ با عنوان «ربّ، ربّی و ربّنا» مخاطب قرار گرفته و محل سوال و طلب واقع شده است.

قرآن کریم گاه با تعابیری کلی مانند «**وَ إِذَا مَسَّ الْانسَانَ الضُّـرُّ دَعَانَـا**».[۱] (یونس، ۱۲)؛ «**وَ إِذَا مَسَّ الْانسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ**».[۲] (الزمر، ۸)؛ «**وَ إِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْاْ رَبهَّم**»[۳] (الروم، ۳۳)؛ «**وَ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ**»[۴] (فصلت، ۵۱) حال انسان را این‌گونه ترسیم می‌کند که به هنگام رویارویی با سختی‌ها، به‌فطرت خود درمی‌یابد تنها خدای سبحان قادر به از میان برداشتن اندوه و گرفتاری‌های اوست. زیرا او تمام امور انسان را از روزی که به وجود آمده، تدبیر کرده است و از این رو، به ظاهر و باطن به سوی پروردگارش رو می‌کند، آشکارا و پنهان، نشسته و خوابیده و در همه حال او را می‌خواند.

برخی از آیات، به روی آوردن فطری انسان در شداید به سوی پروردگار اشاره دارد، این آیات تصویری از انسانی به کشتی نشسته را ترسیم می‌کند که گرفتار تندبادها و امواج

---

۱. و هرگاه آدمی را رنج و زیانی رسد فورا ما را به دعا می‌خواند.
۲. و (بیچاره) انسان را هر گاه فقر و مصیبت و رنجی پیش اید در آن حال به دعا به درگاه خدای خود رود.
۳. و مردم (عادتشان این است که) هرگاه رنج و المی سخت به آنها رسد در آن حال خدای خود را به دعا می‌خوانند.
۴. و هرگاه شرّ و بلایی به او روی آورد آن گاه دائم زبان به دعا گشاید (و اظهار عجز نماید).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

سهمگین دریا شده است او در چنین حالتی بـرای رفـع گرفتـاری و نجـات خـود خـدا را می‌خواند، و این وعده را هم می‌دهد که اگر نجـاتش داداو را شـکرگزاری نمـوده و دیگـر پیرامون کفران نعمتش نگردد. (الانعام،۶۳؛ یونس، ۲۲؛ لقمان، ۳۲؛ العنکبوت، ۶۵).

«قُلْ مَن يُنَجِّيكمُ مِّن ظُلُمَاتِ الْبرِّ وَ الْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضرّعًا وَ خُفْيَةً لَّـئِن أَنجَنَـا مِـنْ هَـذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّكِرِينَ» (الانعام، ۶۳)؛ علامه طباطبایی ذیل این آیه‌ی شریفه بیان می‌دارد که چون انسان، همانند موجودات دیگر، همواره در اعمال اجتمـاعی بـه داد و سـتد پرداختـه، درباره‌ی خدای سبحان که بی‌نیاز مطلق است، نیز همین شیوه را بـه کـار مـی‌بـرد و چـون می‌داند با آن همه نافرمانی شایستگی نجات را ندارد، برای اینکه استحقاقی به دسـت آورد و دعایش مستجاب گردد، با خدا عهد می‌بندد و همـه گونـه وعـده‌ای مـی‌دهـد، از جملـه پذیرفتن دعوت الهی و اطاعت از پیامبران (ابراهیم، ۴۴) و... اما گروهی از انسان‌ها پـس از رفع گرفتاری‌ها، از یاد خدا اعراض می‌کنند (الاسراء، ۶۷) و شرک می‌ورزنـد (لقمـان، ۳۲؛ الانعـام، ۶۴؛ العنکبـوت، ۶۵؛ روم، ۳۳) و گروهـی دیگـر شـاکر و سپاسـگزار پروردگـار خویش‌اند (لقمان، ۳۲).

شکرگزاری به درگاه الهی از مهمترین خصوصیات انسان است. گرچـه نعمتهـا و فضـل پروردگار بسیار زیاد می‌باشد و قابل احصاء نیست اما همین معرفـت و شـناخت کـه بشـر بداند از شکر الهی عاجز است مقدمه‌ای بر رویش این فرهنـگ در وجـود او خواهـد بـود. نفس شگرگزاری توأم با توجه خاص به خداوند و عشق به ساحت مقـدس ربـوبی، خـود نعمتی بزرگ می‌باشد که موجب تربیت و هدایت به مسیر حق می‌گردد.

نتایج مقاله

مراجعه به آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که ایمان و اعتقاد به ربوبیـت الهـی از ارکـان اصلی و بنیادین دعاست؛ و اگر آدمی به ربوبیت الهی اذعان واقعی نداشته باشـد و خـدا را اداره کننده و تدبیرکننده امور عالم نداند هرگز به سوی او دسـت نیـاز دراز نخواهـد کـرد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

همچنان که اصل اعتقاد به ربوبیت حق در دعا مؤثر است، عرض حاجت به حضرت حق نیز در تحکیم و افزایش باور به ربوبیت الهی تأثیر دارد. در حقیقت دعا نوعی تلقین و تمرین عملی برای استحکام این عقیده در قلب و تعمیق تدریجی آن در زوایای روح و جان آدمی به شمار می‌رود.

و اما دعا نه تنها هیچ منافاتی با نظام علی و معلولی و قضا و قدر نداشته بلکه مؤید آنها نیز می‌باشد؛ چرا که دعا یکی از حلقه‌های سلسله اسباب است که در تحقق پدیده‌ها و مسببات عالم تکوین نقش مؤثری ایفا می‌کند و علامه طباطبایی امور خارق العاده را مانند دعا، به اسباب طبیعی غیر عادی اسناد می‌دهد؛ یعنی اسبابی که برای عموم قابل لمس نیست، اما مقارن با سبب حقیقی و باطنی و در نهایت به اذن و اراده‌ی خدا است .همچنین اثر بخشی دعا نیز هیچ منافاتی با علم و اراده‌ی حق تعالی ندارد، زیرا افعال انسان مقید به قید اختیار بوده، با همین ویژگی، معلوم و مراد پروردگار است و علاوه بر این نقش آفرینی عوامل معنوی همچون دعا، در سرنوشت بشر، در نظام طولی آفرینش، در چار چوب فعل اختیاری وی تعریف می‌گردد. و لازمه پذیرش دعای بنده انفعال در ذات و علم معبود نیست. زیرا به نظر برخی، مؤثر حقیقی در امر دعا، اعم از حال تضرع و نیاز بنده و نیز آثار آن، تنها همان مبدأ نخستین است، دعا معلول ذات حق تعالی است و عالی از دانی منفعل نمی‌شود.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم با ترجمه الهی قمشه‌ای، مهدی، دارالقرآن‌الکریم، قم، ۱۳۷۲.
۲. ابن‌فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق، چاپ اول.
۳. ابن عاشور، محد بن طاهر، التحریر و التنویر، نرم افزار جامع التفاسیر.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۵. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، تفسیرموضوعی قرآن کریم، محقق: علی اسلامی، قم، چاپ هشتم ۱۳۸۸، نرم‌افزار کتابخانه دیجیتال اسراء.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تاج اللغه و صحاح العربیه، بیروت، دارالعلم ...، چاپ اول، ۱۳۷۶ ه. ق.
۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق .
۸. همو، نهایه الحکمه، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۹. همو، مجموعه رسائل، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۱۰. همو، رسائل توحیدی، ترجمه و تحقیق علی شیروانی به کوشش هادی خسروشاهی، قم، موسسه بوستان کتاب .
۱۱. طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۲ش.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو ،۱۳۷۲ش.
۱۳. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، محقق: احمد حسینی اشکوری، مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۵. عسکری، ابوهلال بن عبدالله، معجم الفروق اللغویه، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۱۲ه .
۱۶. فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۷. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول، ۱۳۶۴ش .
۱۸. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش.
۱۹. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، بی‌تا، بی‌جا.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت – لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی، آیین پرواز، قم، انتشارات موسسه پژوهشی امام‌خمینی (ره)، ۱۳۹۲.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]